

تحلیل علی تأثیر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی با نقش میانجی طرد اجتماعی^۱ (مورد مطالعه: جوانان شهرستان قروه)

محمد رضا حشمتی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی طرد اجتماعی در میان جوانان شهر قروه انجام شد. این مطالعه از نوع کاربردی، با رویکرد کمی و روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن شهر قروه بود که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه ساختارمند شامل مقیاس‌های استاندارد تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بود. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که احساس تبعیض قومی اثر مستقیم و معناداری بر بیگانگی اجتماعی دارد و همچنین اثر مستقیم آن بر طرد اجتماعی نیز معنادار است. علاوه بر این، طرد اجتماعی تأثیر قوی‌تری بر بیگانگی اجتماعی دارد و نقش میانجی معناداری در انتقال اثر احساس تبعیض قومی ایفا می‌کند. مدل نهایی ۵۲.۳ درصد از واریانس بیگانگی اجتماعی را تبیین می‌کند. یافته‌ها، بر نقش اساسی طرد اجتماعی در تقویت پیامدهای منفی احساس تبعیض قومی تأکید دارند و نشان‌دهنده ضرورت طراحی سیاست‌ها و مداخلات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای کاهش تبعیض و طرد در جوامع چندقومیتی هستند.

واژه‌های کلیدی: تبعیض قومی، طرد اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، جوانان، نابرابری اجتماعی، شهر قروه.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2066964.1911>

• علمی - پژوهشی

۱ دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Rezaheshmaty1037@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، ص ۵۵ - ۳۱

مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر، احساس تبعیض قومی به عنوان یکی از عوامل ساختاری مهم بر تجربه‌های روانی و اجتماعی جوانان، توجه پژوهشگران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. این نوع تبعیض، نه تنها باعث ایجاد احساس طرد و انزوای اجتماعی در جوانان می‌شود، بلکه از طریق فرآیندهای میانجی مانند طرد اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی را در آنان تقویت می‌کند. بیگانگی اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که فرد در آن احساس ناتوانی در ایجاد ارتباط اجتماعی، نداشتن حس تعلق و بی‌معنایی نسبت به مشارکت در جامعه را تجربه می‌کند (مویانو و گومز^۱، ۲۰۲۵). طرد اجتماعی نیز به فرآیندی اشاره دارد که طی آن افراد یا گروه‌هایی فرصت مشارکت در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از دست می‌دهند یا به حاشیه رانده می‌شوند (گلوریا و همکاران^۲، ۲۰۲۵). پژوهش بوتیستا و همکاران^۳ (۲۰۲۵) نشان داد که تبعیض مذهبی از طریق افزایش طرد اجتماعی، باعث کاهش احساس معنا و افزایش احساس بیگانگی می‌شود. احساس تبعیض قومی به عنوان یکی از اشکال ساختاری نابرابری اجتماعی، اثرات گسترده‌ای بر تجربه زیسته جوانان در جوامع چندقومیتی دارد و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به بیگانگی اجتماعی می‌شود. بیگانگی اجتماعی، که همراه با احساس طرد، بی‌معنایی و فاصله گرفتن از جامعه است، اغلب از طریق مسیرهایی مانند طرد اجتماعی شکل می‌گیرد؛ طردی که در محیط‌های آموزشی، رسانه‌ای و روابط بین‌فردی تقویت می‌شود (گلوریا^۴ و همکاران، ۲۰۲۵). در چارچوب نظریه حاشیه‌نشینی و نظریه طرد اجتماعی، می‌توان تأثیر تبعیض را بر شکل‌گیری بیگانگی اجتماعی تبیین کرد؛ زیرا افراد در نتیجه احساس عدم پذیرش و تبعیض مستمر، انسجام اجتماعی خود را از دست می‌دهند (بوتیستا^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند که تبعیض، نه تنها سبب افزایش احساس بی‌ارزشی و تنهایی در میان جوانان می‌شود، بلکه از طریق طرد اجتماعی، احتمال ابتلا به مشکلات روانی همچون افسردگی، اضطراب و افکار خودکشی را افزایش می‌دهد (دوغان و همکاران^۶، ۲۰۲۵؛ دوپو-ریس و ویلاتورو^۷، ۲۰۱۹). در پژوهشی میدانی که در ۱۳ استان کشور از جمله کردستان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، و خوزستان

1 Moyano & Gómez

2 Gloria et al.

3 Bautista et al.

4 Gloria

5 Bautista

6 Doğan et al

7 DuPont-Reyes & Villatoro

انجام شد، محققان دریافتند که یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری بحران هویت در میان اقوام، احساس حذف فرهنگی، تبعیض‌های ایدئولوژیک، و ناکارآمدی در مدیریت منابع بوده است. این پژوهش نشان داد که چنین شرایطی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی و تقویت احساس فاصله از هویت ملی مشترک می‌شود (احمدی، ۱۴۰۱). در شهر سنندج نیز پیمایشی با نمونه‌گیری از ۴۵۵ نفر نشان داد که سه عامل «جامعه‌پذیری قومی»، «حافظه تاریخی» و به‌ویژه «احساس تبعیض» بیشترین تأثیر را بر تقویت هویت قومی جوانان گرد داشته‌اند. طبق تحلیل رگرسیونی این مطالعه، این عوامل به‌تنهایی ۳۴٪ از تغییرات هویت قومی را تبیین می‌کردند (توسلی و آدهمی، ۱۳۹۱). مطالعه مشابهی در شهر بوکان نیز بیانگر آن بود که نادیده‌گرفتن زبان مادری، عدم توجه به حقوق فرهنگی و نرخ بالای بیکاری از عوامل تقویت‌کننده بحران هویت و بیگانگی اجتماعی میان جوانان اقلیت هستند (شیخی و عبدالهی، ۱۳۸۹). در سطح آموزش و مدرسه، پژوهشی با نمونه‌گیری از ۲۲۴ دانش‌آموز از استان‌های تهران، کردستان و آذربایجان شرقی نشان داد که آموزش بخشش منجر به کاهش معنادار در سطح خشم و تعصب قومی در میان نوجوانان شد. این یافته نشان می‌دهد که تجربه تبعیض، حتی در سنین پایین، می‌تواند زمینه‌ساز پرخاشگری و کاهش پذیرش اجتماعی در نوجوانان اقلیت گردد (بناب و خدیاری‌فرد، ۱۳۹۹). علاوه بر این، مطالعه‌ای روی نوجوانان اقلیت قومی در ایران نشان داد که گروه‌های غیر فارس مانند کردها و بلوچ‌ها، سطح بالاتری از تبعیض قومی را در فضای مجازی (آنلاین) و حقیقی (آفلاین) تجربه کرده‌اند. این تجربه‌های تبعیض‌آمیز منجر به افزایش احساس طرد، انزوا و کاهش ارتباطات اجتماعی در میان نوجوانان به ویژه دختران شده‌اند (پژوهی، ۱۴۰۲). مطالعه‌ای کیفی در مورد تجربه‌های تبعیض قومی در دانشگاه‌های ایران نشان داد که دانشجویان کرد به دلیل مواجهه با تبعیض‌های زبانی و قومی، از بیان آزادانه هویت قومی خود پرهیز می‌کنند. این وضعیت منجر به نوعی درونی‌سازی تبعیض، کناره‌گیری از فضاهای عمومی و کاهش مشارکت اجتماعی شده است که می‌توان آن را مصداقی از «پذیرش منفعلانه» و شکل‌گیری بیگانگی اجتماعی دانست (میرزایی و بابایی، ۱۳۹۵). در جوامع چندقومیتی، تجربه زیسته افراد از تبعیض، طرد و بی‌عدالتی اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری احساس بیگانگی اجتماعی منجر شود؛ احساسی که خود را در قالب کناره‌گیری از مناسبات اجتماعی، کاهش مشارکت مدنی و گسست روانی-هویتی از جامعه نشان می‌دهد. در این میان، بررسی اثر احساس تبعیض قومی به‌عنوان یکی از اشکال بارز نابرابری اجتماعی، به‌ویژه در مناطق دارای تنوع قومی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. شهرستان **قروه**، به‌عنوان یکی از مناطق جنوبی استان کردستان، دارای بافت قومی مشخص و دوگانه‌ای متشکل از **کردها و ترک‌ها**

است. این ترکیب قومی، با آن که در کنار همزیستی تاریخی، تجربه‌هایی از همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز را در خود دارد، اما در عین حال، در برخی لایه‌های اجتماعی، زمینه‌هایی برای شکل‌گیری احساس تبعیض، طرد و شکاف فرهنگی فراهم آورده است. شهر قروه نه تنها از نظر جغرافیایی در نقطه اتصال غرب و مرکز ایران قرار گرفته، بلکه به واسطه پیشینه تاریخی و قرارگیری در مسیرهای ارتباطی مهم، نقشی راهبردی در تعاملات قومی و منطقه‌ای ایفا کرده است. با وجود توسعه نسبی شهری، ساختارهای اجتماعی قروه همچنان متأثر از پیوندهای قومی و شبکه‌های غیررسمی تعلق گروهی باقی مانده‌اند.

در چنین بستری، تجربه تبعیض قومی می‌تواند پیامدهایی فراتر از احساسات آنی فردی داشته باشد و به شکل‌گیری فرآیندهای نهادینه‌شده‌ای چون طرد اجتماعی و در نهایت بیگانگی اجتماعی بینجامد؛ امری که به‌ویژه در میان جوانان، که در مرحله گذار از هویت خانوادگی به هویت اجتماعی-مدنی قرار دارند، با شدت بیشتری بروز می‌یابد. تجربه طرد شدن از سوی جامعه، نبود فرصت‌های برابر برای مشارکت، و احساس نادیده‌گرفته‌شدن از سوی ساختارهای قدرت، همه از جمله عوامل مهمی هستند که زمینه‌های شکل‌گیری بیگانگی را تقویت می‌کنند. با توجه به وضعیت خاص قومی شهر قروه، فقدان سیاست‌های مناسب برای مدیریت تنوع فرهنگی، و خلأ مطالعاتی در سطح داخلی پیرامون رابطه بین تبعیض، طرد و بیگانگی اجتماعی، ضرورت دارد این مسئله به‌طور علمی و ساختاری مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که احساس تبعیض قومی چه تأثیری بر بیگانگی اجتماعی جوانان شهر قروه دارد و طرد اجتماعی در این رابطه چگونه عمل می‌کند؟

پیشینه پژوهش

تبعیض نژادی و تبعیض قومی از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مفاهیمی متمایز ولی مرتبط‌اند. تبعیض نژادی به تبعیضی اشاره دارد که بر پایه‌ی ویژگی‌های زیستی و فیزیکی مانند رنگ پوست یا شکل چهره صورت می‌گیرد و ریشه در ایدئولوژی‌های برتری نژادی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تبعیض نژادی معمولاً در قالب ساختارهای نهادی و اجتماعی بازتولید می‌شود و حتی در غیاب نیت مستقیم افراد، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر نابرابری‌های اجتماعی و سلامت روان داشته باشد (هینی، هولمز و ویلیامز^۱، ۲۰۲۱). در روان‌شناسی اجتماعی نیز نشان

داده شده است که تبعیض نژادی از طریق فرآیندهای شناختی و دسته‌بندی‌های خودکار، کلیشه‌ها و سوگیری‌های ضمنی را فعال کرده و موجب تبعیض رفتاری می‌شود (ژو^۱، ۲۰۲۳).

در مقابل، تبعیض قومی بیشتر به تفاوت‌های فرهنگی، زبانی یا ملی مربوط می‌شود و از هویت گروهی و مرزهای اجتماعی ناشی می‌گردد، نه از ویژگی‌های فیزیکی یا زیستی. در بسیاری از جوامع، تبعیض قومی می‌تواند با تبعیض نژادی در هم بیامیزد، به‌ویژه زمانی که فرهنگ با کلیشه‌های نژادی پیوند می‌خورد، اما از نظر مفهومی و تجربی باید جداگانه بررسی شود. مطالعات نشان می‌دهند که تبعیض قومی می‌تواند باعث احساس طرد اجتماعی و استرس روانی شود، ولی بیشتر ریشه در تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد تا در تصورات نژادگرایانه (چین و همکاران^۲، ۲۰۲۰). بنابراین، در مطالعات تجربی، تمایز میان این دو نوع تبعیض ضروری است، زیرا هر یک متغیرها، سازوکارها و پیامدهای روانی و اجتماعی خاص خود را دارند. ادرزاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مساله همبستگی در جامعه چند قومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود» به بررسی تحلیل ساختاری انسجام اجتماعی پرداختند. روش فراترکیب بود و ۵۴ منبع پژوهشی تحلیل شد. نتایج نشان داد که عدم شمولیت اقوام، توسعه نامتوازن و سیاست‌های مرکزی از دلایل گسست اجتماعی و احساس بیگانگی هستند. عظیمی (۱۳۹۸) تحلیل نظری زمینه‌های تاریخی شکاف قومی در ایران را ارائه دادند. مقاله با عنوان «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی موثر بر شکاف قومی در ایران»، با روش تاریخی-تطبیقی، اسناد و منابع ثانویه را بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که تبعیض ساختاری، ملت‌سازی ناقص و سیاست‌های مرکزی سبب فعال شدن شکاف قومی شده‌اند. عظیمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی پتانسیل تضاد قومی با تأکید بر نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)» به تحلیل نقش تبعیض قومی در نابرابری اجتماعی پرداختند. روش تحقیق اسنادی بوده و از نظریه‌های امنیت، فرصت و مظالم بهره برده شد. جامعه آماری شامل تمامی اسناد و پژوهش‌های مرتبط در این استان بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از پایگاه‌های مختلف گردآوری و تحلیل مضامین انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تبعیض مذهبی و زبانی در منطقه کرانه بلوچستان موجب تقویت احساس بی‌عدالتی و شکاف قومی شده است. طالبی و علیزاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «فهم تجربه‌های تبعیض و نابرابری قومی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی ترک‌ها و کردها» با استفاده از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی به بررسی تجربه زیسته قومیتی دانشجویان پرداختند. داده‌ها از طریق مصاحبه

1 Zhou

2 Chin et al

نیمه‌ساختاریافته با ۳۵ دانشجوی ترک و کرد در چهار دانشگاه مختلف گردآوری و با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که تجربه دانشگاهی برای این دانشجویان همراه با احساسات شدیدی از تبعیض و نابرابری قومی است که به‌ویژه حول محورهای زبان و مذهب برجسته بوده‌اند. این تجربه‌ها گویای وجود تبعیض‌های ساختاری در نهادهای آموزشی کشور نسبت به اقلیت‌های قومی است و به فهم عمیق‌تری از ناکارکردی فرهنگی و اجتماعی این نهادها منجر می‌شود. فرانکو و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تجربه تبعیض و درگیری با الکل در جوانان با توجه به تقاطع نژاد و جنسیت» به بررسی رابطه بین تبعیض نژادی و مصرف الکل در میان گروه‌های نژادی و جنسیتی پرداختند. نتایج نشان دادند تبعیض نژادی بیشترین اثر را بر افزایش مصرف الکل در مردان و زنان سیاه‌پوست دارد، در حالی که این رابطه در زنان سفیدپوست مشاهده نشد. ژلسما و همکاران^۲ (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تبعیض قومی روزمره و مصرف زودهنگام مواد در نوجوانان اقلیت قومی» به بررسی رابطه بین تبعیض نژادی، بیگانگی اجتماعی و گرایش به مصرف زودهنگام مواد پرداختند. یافته‌ها نشان دادند که تبعیض تجربه‌شده از سوی معلمان از طریق احساس انزوای اجتماعی احتمال مصرف زودهنگام مواد را افزایش می‌دهد. وو، و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین تبعیض ادراک‌شده و سازگاری اجتماعی فرزندان کارگران مهاجر با نقش میانجی احساس بیگانگی و نقش تعدیل‌گر سرمایه روان‌شناختی» دریافتند که احساس بیگانگی میانجی رابطه بین تبعیض ادراک‌شده و سازگاری اجتماعی است و سرمایه روان‌شناختی این رابطه را تعدیل می‌کند. دل‌تورو و همکاران^۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تبعیض قومی و رشد زودرس در نوجوانان؛ نقش میانجی بیگانگی اجتماعی» گزارش کردند که تبعیض ادراک‌شده از طریق احساس بیگانگی اجتماعی موجب تسریع بلوغ زودرس در نوجوانان می‌شود، به‌ویژه در کسانی که حمایت خانوادگی کمتری دارند. کینگ و همکاران^۵ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای تبعیض نژادی روزانه در نوجوانان؛ نقش احساس انسجام اجتماعی و عملکرد تحصیلی» دریافتند که تبعیض نژادی موجب کاهش انسجام اجتماعی، افزایش بیگانگی و در نهایت افت تحصیلی می‌شود. مک‌نیر و همکاران^۶ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تبعیض نژادی، روابط بین‌فردی و انزوای اجتماعی در نوجوانان آفریقایی-آمریکایی» نشان دادند که تبعیض نژادی با کاهش کیفیت

1 Franco et al

2 Gelsma et al

3 Wu et al

4 Del Toro et al

5 King et al

6 McNair et al

تعاملات اجتماعی و افزایش احساس تنهایی و بیگانگی همراه است. آرگون و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تجربه تبعیض و بیگانگی اجتماعی در دانشجویان اقلیت قومی؛ نقش میانجی حمایت اجتماعی» بیان کردند که تبعیض قومی موجب افزایش بیگانگی اجتماعی می‌شود، اما حمایت اجتماعی می‌تواند اثرات منفی آن را کاهش دهد. کارتر و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی بیگانگی اجتماعی در جوانان مهاجر: نقش تبعیض نژادی و هویت قومی» نشان دادند که تبعیض نژادی اثر مستقیم و مثبت بر احساس طرد اجتماعی دارد، در حالی که هویت قومی منسجم می‌تواند شدت این رابطه را کاهش دهد. رادریگز و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «روابط میان تبعیض نژادی، سلامت روان و بیگانگی اجتماعی در دانشجویان لاتین‌تبار» دریافتند که تبعیض نژادی ادراک شده با افزایش مشکلات روانی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دارد و سلامت روان نقش میانجی در این رابطه ایفا می‌کند. جیمز و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تبعیض نژادی و انزوای اجتماعی در نوجوانان بومی؛ بررسی پیامدهای روانی» گزارش کردند که تبعیض نژادی ادراک شده پیش‌بینی‌کننده قوی انزوای اجتماعی در نوجوانان بومی است. مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تبعیض قومی و نژادی غالباً با پیامدهایی چون افزایش احساس طرد اجتماعی، بیگانگی، کاهش انسجام اجتماعی و بروز مشکلات روانی-رفتاری همراه است. همچنین بسیاری از این مطالعات، نقش میانجی‌گرانه متغیرهایی مانند طرد اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس انسجام را در این رابطه تأیید کرده‌اند. با این حال، اغلب مطالعات خارجی بر گروه‌های مهاجر و نوجوانان در جوامع غربی متمرکز بوده‌اند که با شرایط فرهنگی-اجتماعی خاص جوامع چندقومیتی ایران هماهنگ نیستند. در پژوهش‌های داخلی نیز گرچه به مقوله‌های تبعیض و بیگانگی اشاره شده، اما اغلب پراکنده، بدون طراحی مدل‌های علی و فاقد تحلیل‌های آماری پیشرفته بوده‌اند فرایندهای واسطه‌ای مانند طرد اجتماعی، به‌ویژه در جمعیت جوانان بومی ایران، کمتر به‌طور مفهومی و تجربی بررسی شده‌اند.

بر همین اساس، خلأ پژوهشی مهمی در زمینه درک روابط علی میان تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در بافت‌های بومی چندقومیتی ایران وجود دارد. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر جوانان شهر قروه به‌عنوان جامعه‌ای با ترکیب قومی کرد و ترک، این شکاف را پر کرده و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) رابطه بین متغیرهای مذکور را به‌صورت نظام‌مند بررسی کند. ویژگی دیگر این پژوهش، نه‌فقط پرداختن به تجربه زیسته جوانان

1 Argon et al

2 James et al

در بافت بومی، بلکه تحلیل سازوکارهای درونی و سلسله‌مراتبی تبعیض و طرد است. این موضوع هم از منظر علمی اهمیت دارد و هم می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی برای ارتقای انسجام در جوامع چندقومیتی مؤثر واقع شود.

مبانی نظری

بیگانگی اجتماعی یکی از پیامدهای مهم احساس تبعیض قومی است که در ادبیات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثر تبعیض بر بیگانگی اجتماعی به‌طور کامل مستقیم نیست، بلکه اغلب از طریق مکانیزم‌های میانجی‌گرانه‌ای همچون طرد اجتماعی توضیح داده می‌شود. بر این اساس، نظریه‌ها و مدل‌های متعددی برای تبیین این رابطه ارائه شده‌اند که در ادامه مرور می‌شوند. نظریه استرس اجتماعی تبعیض قومی را به‌منزله یک منبع استرس مزمن معرفی می‌کند. تجربه تبعیض پیوسته باعث فشار روانی می‌شود و این فشار به‌صورت افزایش احساس طرد اجتماعی بروز می‌یابد. در نتیجه، فرد به‌تدریج از شبکه‌های ارتباطی خود فاصله می‌گیرد و زمینه بیگانگی اجتماعی فراهم می‌شود (برانت^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). در چارچوب مدل میانجی‌گری طرد اجتماعی، فرض بر این است که تبعیض قومی بیگانگی را از مسیر طرد اجتماعی تقویت می‌کند. فردی که تبعیض را تجربه می‌کند ابتدا احساس می‌کند دیگران او را کنار می‌گذارند. این طرد، مانع مشارکت فعال او در جامعه شده و به بیگانگی اجتماعی می‌انجامد (چین و همکاران^۲، ۲۰۲۵). از منظر نظریه هویت قومی، قدرت یا ضعف هویت قومی در این رابطه نقش تعیین‌کننده دارد. افرادی که هویت قومی مثبت و مستحکم دارند، در برابر آثار منفی تبعیض مقاوم‌ترند؛ در حالی که هویت قومی ضعیف سبب می‌شود تبعیض بیشتر به طرد و بیگانگی منتهی گردد (اوروثوا و همکاران^۳، ۲۰۲۱). در همین راستا، نظریه احساس تعلق^۴ بیان می‌کند که نیاز به تعلق یک نیاز بنیادین انسانی است. تبعیض و طرد اجتماعی این نیاز را تضعیف می‌کنند و به فرد القا می‌کنند که جایی در جامعه ندارد. این تهدید تعلق، بستر مناسبی برای رشد بیگانگی اجتماعی فراهم می‌سازد (کروگر و همکاران^۵، ۲۰۲۴). همچنین، نظریه تنش هویت دوگانه توضیح می‌دهد که افراد دارای هویت‌های دوگانه (مانند قومی و ملی) در مواجهه با تبعیض دچار تعارض می‌شوند. این تعارض، طرد اجتماعی را تشدید کرده و فرد را در هر دو حوزه

1 Brandt

2 Chin et al

3 Urzúa et al.

4 Belongingness

5 Krüger et al

قومی و اجتماعی بی‌پناه می‌گذارد و در نتیجه بیگانگی او را افزایش می‌دهد (ژو و همکاران^۱، ۲۰۲۴). از دیدگاه نظریه درد اجتماعی، طرد ناشی از تبعیض مشابه درد جسمی تجربه می‌شود. این تجربه مکرر، افراد را از مشارکت اجتماعی دور می‌کند تا از مواجهه مجدد با درد جلوگیری کنند، و به تدریج به بیگانگی اجتماعی منجر می‌شود (چین و همکاران، ۲۰۲۵). در همین زمینه، نظریه تعامل اجتماعی - شکست تعامل نشان می‌دهد که تبعیض قومی روابط و تعاملات اجتماعی را مختل می‌کند. کاهش تعاملات، طرد اجتماعی را افزایش داده و نهایتاً بیگانگی را تقویت می‌سازد (برانت و همکاران، ۲۰۲۲). مدل میانجی هیجانات مثبت و منفی نیز بر این باور است که تبعیض با ایجاد هیجانات منفی و کاهش هیجانات مثبت، تجربه طرد اجتماعی را تشدید می‌کند. این ترکیب هیجانی و اجتماعی، افراد را به سمت انزوا و بیگانگی سوق می‌دهد (اوروثوا و همکاران، ۲۰۲۰). نظریه فشار اجتماعی تبعیض را نوعی فشار می‌داند که فرد را وادار به پذیرش طرد می‌کند. این فشار اجتماعی در بلندمدت باعث فاصله‌گیری فرد از جامعه و بروز بیگانگی می‌شود (برانت و همکاران، ۲۰۲۲). در نهایت، مدل خودپنداره منفی مطرح می‌کند که تبعیض موجب کاهش عزت نفس می‌شود. عزت نفس پایین، حساسیت فرد به طرد را افزایش می‌دهد و در چرخه‌ای معیوب، فرد بیش از پیش منزوی و بیگانه از جامعه می‌شود (ریورا و همکاران^۲، ۲۰۲۳). نظریه فشار اقلیت که نخستین بار توسط ایلان مایر^۳ (۲۰۰۳) مطرح شد، یکی از چارچوب‌های نظری بنیادی برای تحلیل اثرات روانی و اجتماعی تبعیض علیه گروه‌های اقلیت - اعم از قومی، مذهبی یا جنسی - به‌شمار می‌آید. بر پایه این نظریه، افراد متعلق به گروه‌های اقلیت، به سبب جایگاه نابرابر اجتماعی خود، در معرض نوعی استرس مضاعف قرار دارند که فراتر از فشارهای عمومی زندگی روزمره است. مایر (۲۰۰۳) این فشارها را در سه سطح اصلی طبقه‌بندی می‌کند: نخست، تجارب عینی تبعیض و طرد اجتماعی مانند توهین، نابرابری فرصت‌ها و حذف ساختاریافته؛ دوم، انتظار درونی از طرد و داوری منفی از سوی دیگران، که به احساس ناایمنی اجتماعی و استرس روانی مزمن منجر می‌شود (هاتزن‌بوهلر^۴، ۲۰۰۹)؛ و سوم، درونی‌سازی نگرش‌های منفی جامعه نسبت به گروه خود که ممکن است موجب شرم از هویت و بی‌ارزشی اجتماعی شود (مریش^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعه مرور نظام‌مند که توسط فراست^۶ و مایر (۲۰۲۳) انجام شده، نشان می‌دهد که نظریه فشار اقلیت در دهه

1 Zhou et al

2 Rivera et al

3 Ilan H. Meyer

4 Hatzenbuehler

5 Mereish

6 David M. Frost

اخیر به یکی از نظریه‌های کلیدی در روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات جنسیت و سلامت روان تبدیل شده است. آن‌ها تأکید می‌کنند که این نظریه نه تنها به تبیین فشارهای روانی ناشی از تبعیض کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تحلیل ساختارهای کلان نابرابری و نقش آن در سلامت روان افراد اقلیت است (فراست و مایر، ۲۰۲۳). پژوهش‌های تجربی گوناگونی تأیید کرده‌اند که تجربه تبعیض، چه در سطح فردی و چه ساختاری، می‌تواند پیامدهایی مانند اضطراب، افسردگی، احساس انزوا و بیگانگی اجتماعی در پی داشته باشد (راسل^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین، بررسی‌های انجام‌شده در زمینه تبعیض قومی در جوامع چندقومیتی، نشان داده‌اند که فشار اقلیت در این فضاها نه تنها تجربه‌ای فردی بلکه انعکاسی از نظم اجتماعی نابرابر و ساختاری است (مایر و فراست، ۲۰۱۳). با این حال، این نظریه فقط بر ابعاد منفی فشار اقلیت متمرکز نیست. بلکه بر نقش عوامل محافظتی مانند حمایت اجتماعی، هویت گروهی مثبت و تاب‌آوری فرهنگی در کاهش آثار مخرب استرس اقلیت نیز تأکید دارد (پاچانکیس^۲، ۲۰۱۵). این عوامل می‌توانند با تقویت حس تعلق، ارزشمندی شخصی و پیوند با جامعه، مقاومت روانی افراد اقلیت را در برابر فشارها افزایش دهند. در مجموع، نظریه فشار اقلیت چارچوبی جامع و بین‌رشته‌ای برای درک بهتر اثرات روانی-اجتماعی تبعیض فراهم می‌کند. به‌کارگیری این نظریه در پژوهش‌های بومی‌شده، به‌ویژه در بار اقلیت‌های قومی همچون کردها و ترک‌ها در ایران، می‌تواند به تحلیل عمیق‌تری از سازوکارهای بیگانگی اجتماعی، انزوای فرهنگی، و گسست روانی منجر شود و در طراحی مداخلات حمایتی مؤثر بسیار مفید باشد. بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل مفهومی تحقیق حاضر بر ارتباط میان تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی استوار است. در این چارچوب، انتظار می‌رود که تبعیض قومی، هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق افزایش احساس طرد، بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیرگذار باشد. همچنین، با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه چندقومیتی ایران، تفاوت‌هایی میان گروه‌های قومی و نیز میان زنان و مردان در تجربه این متغیرها قابل انتظار است. بر این اساس، فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

۱. بین احساس تبعیض قومی و طرد اجتماعی جوانان رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.
۲. بین احساس تبعیض قومی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.
۳. بین طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

1 Russell
2 Pachankis

۴. احساس تبعیض قومی از طریق طرد اجتماعی به صورت غیرمستقیم بر بیگانگی اجتماعی تأثیر دارد (نقش میانجی طرد اجتماعی).

روش پژوهش

این مطالعه به روش کمی و مبتنی بر پیمایش انجام گرفته است. تحقیق حاضر در محیط میدانی شهر قروه از توابع استان کردستان اجرا شده است؛ شهری که با ترکیب جمعیتی دو گروه عمده قومی کرد و ترک شناخته می‌شود و به دلیل تقابل‌های تاریخی و موقعیت حاشیه‌ای، بستر مناسبی برای بررسی تجربیات تبعیض قومی فراهم می‌آورد. انتخاب این محیط با توجه به ویژگی‌های قومی آن و قابلیت شناسایی الگوهای طرد و بیگانگی اجتماعی در میان جوانان دو گروه مزبور صورت گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه ساختارمند انجام شده است که شامل مقیاس‌های استاندارد سنجش تبعیض قومی، احساس طرد اجتماعی، و بیگانگی اجتماعی می‌باشد. شرکت‌کنندگان شامل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله از اقوام مختلف ساکن قروه بودند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) بهره گرفته شد تا روابط علی بین متغیرها و نقش میانجی به‌طور دقیق بررسی شود. چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از نظریه طرد اجتماعی (Silver, 1994) و نظریه بیگانگی مارکس می‌باشد که هر دو به تبیین فرآیندهای حاشیه‌سازی اجتماعی کمک می‌کنند. این چارچوب‌ها زمینه‌ای مفهومی فراهم کرده‌اند تا بتوان تبعیض را نه فقط به‌عنوان تجربه‌ای فردی، بلکه پدیده‌ای ساختاری درک و تحلیل کرد. برای دسترسی به نمونه‌های تحقیق، ابتدا از فهرست جمعیتی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر قروه، بر اساس آمار اداره ثبت احوال و داده‌های سرشماری رسمی، استفاده شد. تعداد کل این جمعیت حدود ۳۸ هزار نفر برآورد گردید. به‌منظور دستیابی به نمونه‌ای متنوع و نماینده از کل جامعه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. بر این اساس، جمعیت کلی جوانان بر پایه سه متغیر «قومیت»، «جنسیت» و «سطح تحصیلات» به طبقات مختلف تقسیم گردید و سپس حجم نمونه با توجه به سهم هر طبقه از جامعه تعیین شد. در مرحله اجرای نمونه‌گیری، پایگاه‌های محلی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز ورزشی، انجمن‌های جوانان و مناطق شهری مورد استفاده قرار گرفت تا فهرست افراد واجد شرایط گردآوری و نمونه‌ها انتخاب شوند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای آنلاین بود که از طریق یک بانک اطلاعاتی طراحی و توزیع گردید. این روش نمونه‌گیری با هدف بازنمایی ساختار واقعی جمعیت جوان شهر

قروه انجام شد تا امکان استنتاج و تعمیم نتایج به جامعه آماری مورد مطالعه فراهم گردد. همچنین، فرایند مدیریت و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده به‌صورت آنلاین صورت گرفت. معیارهای ورود شامل سن (۱۸-۳۰ سال)، سکونت حداقل دوساله در قروه، و رضایت‌نامه آگاهانه برای شرکت در مطالعه بود. در این پژوهش، به‌منظور سنجش دقیق متغیرهای تحقیق، از یک پرسش‌نامه ساختارمند استفاده شد که شامل سه مقیاس معتبر برای اندازه‌گیری تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در میان جوانان بود. تمامی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از "کاملاً مخالفم" تا "کاملاً موافقم") طراحی شده و از منابع علمی معتبر، بومی‌سازی و اقتباس شدند. برای سنجش تبعیض قومی، از نسخه تعدیل‌شده مقیاس ادراک تبعیض قومی استفاده شد که شامل ۱۰ گویه در زمینه‌هایی همچون تعاملات آموزشی، رسانه‌ای، و روابط اجتماعی بود. مقیاس طرد اجتماعی نیز برگرفته از ابزار هانس بوده^۱ و برنهارد لانترمان^۲ بود که پس از تطبیق فرهنگی با بافت جامعه ایران، در ۸ گویه طراحی شد و ابعاد احساس عدم تعلق و انزوای اجتماعی را پوشش داد. همچنین، برای سنجش بیگانگی اجتماعی از نسخه بازبینی‌شده پرسش‌نامه کلاسیک سیمن (1959) بهره گرفته شد که شامل ۱۲ گویه در چهار مؤلفه کلیدی: بی‌قدرتی، بی‌معنایی، طرد و انزوا بود. اعتبار ابزارها با روش روایی محتوایی و سازه مورد تأیید قرار گرفت. در ارزیابی روایی محتوایی، پنج تن از اساتید حوزه جامعه‌شناسی و علوم تربیتی گویه‌ها را بررسی کردند و نسبت روایی محتوایی (CVR) برای همه آیتم‌ها بیش از ۰.۷۵ برآورد شد. برای ارزیابی پایایی ابزارها نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضرایب پایایی برای مقیاس احساس تبعیض قومی ۰.۹۰۹، برای مقیاس طرد اجتماعی ۰.۸۵، و برای مقیاس بیگانگی اجتماعی ۰.۸۶ بوده است؛ که همگی در سطح مطلوب و قابل قبول قرار دارند.

جدول ۱. پایایی و روایی همگرایی سازه‌های پژوهش (آلفای کرونباخ، آلفای ترکیبی و شاخص AVE)

متغیر	آلفای کرونباخ	آلفای ترکیبی	شاخص AVE
احساس تبعیض قومی	0.909	0.924	0.549
طرد اجتماعی	0.856	0.887	0.497
بیگانگی اجتماعی	0.864	0.893	0.471

1 Hans Bude

2 Bernd Lantermann

نتایج جدول ۱ نشان داد که پایایی درونی سازه‌ها بالا بوده (آلفای کرونباخ و ترکیبی همگی بالاتر از ۰.۸۵) و انسجام مناسبی بین گویه‌ها برقرار است. مقادیر AVE برای احساس تبعیض قومی (۰.۵۴۹) قابل قبول و برای طرد اجتماعی (۰.۴۹۷) و بیگانگی اجتماعی (۰.۴۰۰) در حد مرزی قرار دارند که نیازمند تفسیر محتاطانه‌اند.

جدول ۲. ماتریس فورنل-لارکر برای بررسی روایی واگرا بین سازه‌های پژوهش

متغیر	احساس تبعیض قومی	طرد اجتماعی	بیگانگی اجتماعی
احساس تبعیض قومی	0.741		
طرد اجتماعی	0.515	0.705	
بیگانگی اجتماعی	0.558	0.682	0.686

جدول ۲ نشان داد که ریشه دوم AVE برای هر سازه (احساس تبعیض قومی ۰.۷۴۱، طرد اجتماعی ۰.۷۰۵ و بیگانگی اجتماعی ۰.۶۸۶) از ضرایب همبستگی بین سازه‌ای بزرگ‌تر است. بنابراین، روایی واگرای سازه‌ها تأیید شده و هر یک از آن‌ها به‌طور معنادار از یکدیگر متمایز هستند.

جدول ۳. بارهای عاملی گویه‌های سازه‌های احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و

بیگانگی اجتماعی در تحلیل عاملی تأییدی

بارهای عاملی	گویه‌ها	
0.736	در جامعه احساس می‌کنم به دلیل قومیت خودم با من ناعادلانه رفتار می‌شود.	احساس تبعیض قومی
0.797	در محیط کار یا تحصیل، تبعیض قومی را تجربه کرده‌ام.	
0.622	به دلیل قومیت خودم فرصت‌های شغلی برابر نداشته‌ام.	
0.757	دیگران به قومیت من بی‌احترامی کرده‌اند.	
0.743	در رسانه‌ها تصویر درستی از قومیت من ارائه نمی‌شود.	
0.596	در برخوردهای رسمی، احساس بی‌عدالتی قومی داشته‌ام.	
0.777	قوانین یا رویه‌ها گاهی علیه قومیت من عمل می‌کنند.	
0.725	احساس می‌کنم صدای قومیت من در جامعه شنیده نمی‌شود.	
0.695	در رقابت‌های اجتماعی، قومیت من مانعی بوده است.	
0.703	قضاوت دیگران درباره من تحت تأثیر قومیتم بوده است.	
0.76	احساس می‌کنم از سوی جامعه طرد شده‌ام.	طرد اجتماعی
0.703	در جمع‌های اجتماعی به من توجهی نمی‌شود.	

بارهای عاملی	گویه ها	
0.764	دوستانم گاهی مرا نادیده می گیرند.	
0.6	در تصمیم گیری های گروهی نقشی ندارم.	
0.732	در مواقع نیاز، اطرافیان مرا حمایت نمی کنند.	
0.699	احساس می کنم کسی مرا درک نمی کند.	
0.843	در محیط های عمومی، مورد بی توجهی قرار می گیرم.	
0.826	در خانواده، احساس طردشدگی دارم.	
0.671	در روابط اجتماعی، کمتر مورد پذیرش قرار می گیرم.	
0.551	دیگران از صحبت با من پرهیز می کنند.	بیگانگی اجتماعی
0.503	احساس می کنم به جامعه تعلق ندارم.	
0.661	از ارزش های رایج جامعه فاصله دارم.	
0.766	زندگی اجتماعی برایم بی معنا شده است.	
0.631	نسبت به آینده جامعه بدبین هستم.	
0.807	احساس می کنم کنترلی بر امور اجتماعی ندارم.	
0.788	از محیط اطرافم احساس بیگانگی دارم.	
0.773	قوانین جامعه را برای خودم بی ربط می دانم.	
0.727	احساس می کنم در جامعه جایی ندارم.	

نتایج تحلیل عاملی تأییدی (جدول ۳) نشان داد که بیشتر گویه ها بار عاملی بالاتر از ۰.۶ داشته و از روایی همگرایی مطلوب برخوردارند؛ به ویژه در سازه های احساس تبعیض قومی و طرد اجتماعی بارهای قوی مشاهده شد. در سازه بیگانگی اجتماعی نیز اغلب گویه ها مناسب بودند،

یافته های پژوهش

جدول ۴ ویژگی های جمعیت شناختی جوانان را نشان می دهد. بیشترین فراوانی سنی در گروه ۳۰ تا ۳۴ سال (۲۳.۲٪) و کمترین در ۱۵ تا ۱۹ سال (۱۶.۷٪) بود که توزیع نسبتاً متعادلی را نشان می دهد. میانگین سنی جوانان مورد مطالعه ۲۷.۵ سال بود که بیانگر تمرکز پژوهش بر گروه سنی جوان و فعال جامعه است. از نظر تأهل، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان مجرد (۵۷.۸٪) و سپس متأهل (۲۸٪) بودند. سطح تحصیلات نشان داد که ۴۸.۱٪ دارای آموزش عالی و ۳۴.۶٪ دیپلم و پایین تر بودند که بیانگر برخورداری حدود نیمی از نمونه از تحصیلات متوسط به بالا است.

در وضعیت اشتغال و جنسیت نیز ترکیب متنوع و متعادلی مشاهده شد که امکان تحلیل‌های مقایسه‌ای و بررسی دقیق‌تر روابط متغیرهای پژوهش را فراهم می‌کند.

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان (n = 384)

متغیر	گروه‌ها / مقادیر	تعداد (n)	درصد (%)
سن	۱۵ تا ۱۹ سال	64	16.7
	۲۰ تا ۲۴ سال	75	19.5
	۲۵ تا ۲۹ سال	80	20.8
	۳۰ تا ۳۴ سال	89	23.2
	۳۵ تا ۳۹ سال	76	19.8
	کل	384	100.0
وضعیت تأهل	مجرد	222	57.8
	متاهل	146	38.0
	سایر	16	4.2
تحصیلات	بی‌سواد / ابتدایی	62	16.1
	راهنمایی / متوسطه اول	71	18.5
	دیپلم / پیش‌دانشگاهی	61	15.9
	کاردانی (فوق دیپلم)	63	16.4
	کارشناسی (لیسانس)	69	18.0
	کارشناسی ارشد (فوق لیسانس)	58	15.1
وضعیت اشتغال	دانش آموز	78	20.3
	دانشجو	79	20.6
	شاغل	84	21.9
	بیکار	77	20.1
	خانه دار	66	17.2
	کل	384	100.0
جنسیت	مرد	186	48.4
	زن	198	51.6
	کل	384	100.0

جدول ۵، ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش شامل احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که بین تمامی

متغیرها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌ویژه، بین طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی قوی‌ترین همبستگی مشاهده شده است ($r = 0.648^{**}$)، که نشان‌دهنده تأثیر بالای طرد اجتماعی بر شکل‌گیری احساس بیگانگی در میان جوانان می‌باشد. همچنین، احساس تبعیض نیز با هر دو متغیر دیگر همبستگی مثبت معناداری دارد. علامت دو ستاره (**)) بیانگر سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ است. این نتایج مؤید فرض نظری پژوهش است. به‌عبارتی، جوانانی که تبعیض قومی بیشتری را تجربه می‌کنند، بیشتر در معرض احساس طرد از سوی دیگران و در نتیجه بیگانگی اجتماعی قرار می‌گیرند. این یافته نشان می‌دهد که تبعیض ادراک‌شده نه تنها به‌طور مستقیم بر احساس جدایی و ناتوانی در پیوند با جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه از طریق افزایش طرد اجتماعی، بیگانگی را تشدید می‌کند.

جدول ۵. ماتریس همبستگی اسپیرمن بین احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در بین جوانان

متغیر	احساس تبعیض قومی	طرد اجتماعی	بیگانگی اجتماعی
احساس تبعیض قومی	1	.480**	.548**
طرد اجتماعی	.480**	1	.648**
بیگانگی اجتماعی	.548**	.648**	1

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین دو گروه قومی از نظر هر سه متغیر اصلی پژوهش تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین نمره احساس تبعیض قومی در جوانان کرد (۴.۰۷) به‌طور معناداری بالاتر از جوانان ترک (۳.۶۷) است ($p = 0.001$)؛ به این معنا که شرکت‌کنندگان کرد تبعیض بیشتری را تجربه یا ادراک کرده‌اند. همچنین، در متغیر طرد اجتماعی نیز میانگین گروه کرد (۴.۵۷) به‌طور قابل توجهی بیشتر از گروه ترک (۳.۷۸) بود ($p = 0.001$)، که نشان‌دهنده احساس طرد اجتماعی بالاتر در میان جوانان کرد است. در نهایت، میانگین بیگانگی اجتماعی نیز در گروه کرد (۴.۱۳) بالاتر از گروه ترک (۳.۷۰) به‌دست آمد ($p = 0.001$). این نتایج نشان می‌دهد که جوانان کرد در مقایسه با جوانان ترک، سطوح بالاتری از تبعیض، طرد و بیگانگی اجتماعی را گزارش کرده‌اند. این تفاوت‌ها را می‌توان ناشی از برداشت‌های متفاوت از جایگاه اجتماعی، تاریخچه تعاملات قومی و دسترسی به فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی دانست. در مجموع، یافته‌ها بیانگر

آن است که تجربه زیسته جوانان در بافت‌های چندقومیتی متأثر از تعلق قومی آنان است و احساس تبعیض قومی و طرد، نقش مهمی در شکل‌گیری بیگانگی اجتماعی دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه متغیرهای احساس تبعیض قومی، طرد

اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بر حسب قومیت

متغیر	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	سطح معنی داری
احساس تبعیض قومی	ترک	192	3.6656	1.14071	.08232	.0/001
	کرد	192	4.0661	.82141	.05928	
طرد اجتماعی	ترک	192	3.7783	1.32797	.09584	.0/001
	کرد	192	4.5729	.47729	.03445	
بیگانگی	ترک	192	3.6995	1.04288	.07526	.0/001
	کرد	192	4.1260	.57981	.04184	

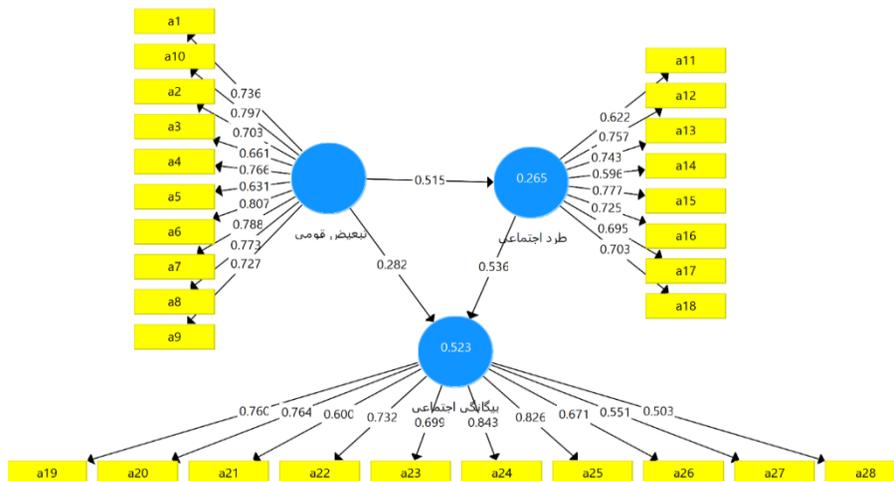
بر اساس نتایج جدول ۷ میانگین نمره احساس تبعیض قومی در زنان (۴.۱۲) بالاتر از مردان (۳.۹۴) است و این تفاوت در سطح معنی‌داری ۰.۰۴۱ معنادار گزارش شد؛ بنابراین می‌توان گفت زنان نسبت به مردان تبعیض قومی بیشتری را تجربه یا ادراک می‌کنند. در مقابل، میانگین طرد اجتماعی در مردان (۴.۶۰) اندکی بیشتر از زنان (۴.۵۲) بود، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. همچنین در متغیر بیگانگی اجتماعی، مردان میانگین بالاتری (۴.۱۴) نسبت به زنان (۴.۰۲) داشتند. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد زنان حساسیت بیشتری نسبت به رفتارهای تبعیض‌آمیز دارند، در حالی‌که مردان گرایش بیشتری به بروز احساس بیگانگی و کناره‌گیری اجتماعی نشان می‌دهند.

جدول ۷. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه متغیرهای احساس تبعیض قومی، طرد

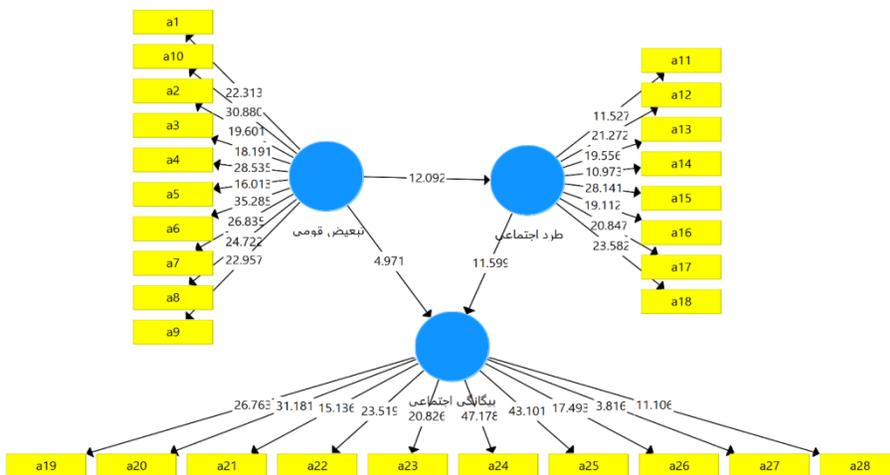
اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	سطح معنی داری
احساس تبعیض قومی	مرد	186	3.9460	.83615	.05942	.0/041
	زن	198	4.1183	.80538	.05905	
طرد اجتماعی	مرد	186	4.6015	.47740	.03500	.0/095
	زن	198	4.5164	.51995	.03695	
بیگانگی	مرد	186	4.1430	.62427	.04577	.0/053
	زن	198	4.0172	.64675	.04596	

نتایج شکل ۱ و ۲ مدل معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که تمامی مسیرهای اصلی و گویه‌های مشاهده‌پذیر دارای مقادیر t بزرگ‌تر از ۱.۹۶ بوده و در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند. این نتایج، هم‌روایی همگرایی سازه‌ها و هم‌معناداری روابط نظری مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کنند.



شکل ۱. مدل مسیر تحلیل معادلات ساختاری برای بررسی اثر احساس تبعیض قومی و طرد اجتماعی بر بیگانگی اجتماعی



شکل ۲. نمودار مقادیر t برای مسیرهای مدل معادلات ساختاری بین سازه‌های احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی

جدول ۸ نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری را برای بررسی مسیرهای مستقیم بین متغیرهای احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی نشان می‌دهد. طبق یافته‌ها، اثر مستقیم احساس تبعیض قومی بر طرد اجتماعی با ضریب استاندارد شده ۰.۵۱۵ و مقدار تی ۱۲.۰۹۲ معنادار بوده و نشان‌دهنده تأثیر مثبت و قوی این سازه است. همچنین، احساس تبعیض قومی به‌طور مستقیم بر بیگانگی اجتماعی نیز تأثیر دارد، اگرچه این رابطه نسبت به مسیر قبلی ضعیف‌تر است. در نهایت، طرد اجتماعی تأثیر مستقیمی بر بیگانگی اجتماعی دارد که نسبت به سایر مسیرها از قوی‌ترین روابط برخوردار است. این نتایج حاکی از آن است که طرد اجتماعی نقش مهمی در تبیین احساس بیگانگی اجتماعی دارد و تبعیض قومی هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق طرد اجتماعی می‌تواند این احساس را تقویت کند.

جدول ۸. نتایج آزمون معادلات ساختاری برای مسیرهای مستقیم بین سازه‌های احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی

سطح معنی داری	عدد تی	انحراف معیار	ضریب استاندارد شده	
0.000	12.092	0.043	0.515	احساس تبعیض قومی - < طرد اجتماعی
0.000	4.971	0.057	0.282	احساس تبعیض قومی - < بیگانگی اجتماعی
0.000	11.599	0.046	0.536	طرد اجتماعی - < بیگانگی اجتماعی

جدول ۹ نتایج آزمون سوبل را نشان می‌دهد که برای بررسی معناداری مسیر غیرمستقیم تأثیر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی از طریق متغیر میانجی طرد اجتماعی به‌کار گرفته شد. در این تحلیل، ضریب مسیر مستقیم احساس تبعیض قومی به طرد اجتماعی برابر با ۰.۵۱۵ و ضریب مسیر مستقیم طرد اجتماعی به بیگانگی اجتماعی برابر با ۰.۵۳۶ به‌دست آمد. بر اساس این ضرایب و با استفاده از آزمون سوبل، مقدار Z معادل ۸.۳۵ محاسبه شد که در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احساس تبعیض قومی از طریق افزایش احساس طرد اجتماعی، به‌طور غیرمستقیم موجب افزایش بیگانگی اجتماعی در میان جوانان می‌شود؛ به بیان دیگر، طرد اجتماعی نقش میانجی معنادار و قوی در این رابطه ایفا می‌کند.

جدول ۹. نتایج آزمون سوبل برای بررسی اثر غیرمستقیم احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی از طریق طرد اجتماعی

سطح معناداری (p)	آزمون Z سوبل	خطای استاندارد (SE)	ضریب مسیر (a یا b)	مسیر
-	-	0.043	0.515	احساس تبعیض قومی \rightarrow طرد اجتماعی
-	-	0.046	0.536	طرد اجتماعی \rightarrow بیگانگی اجتماعی
< 0.001	8.35	محاسبه شده	$a \times b = 0.276$	تبعیض قومی \rightarrow بیگانگی اجتماعی (غیرمستقیم)

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل علی تأثیر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی با نقش میانجی طرد اجتماعی در میان جوانان شهرستان قروه انجام شد. یافته‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری و آزمون سوبل نشان دادند که احساس تبعیض قومی اثر مستقیم و غیرمستقیم معناداری بر بیگانگی اجتماعی دارد. مسیر مستقیم تبعیض قومی به بیگانگی ($\beta = 0.282$) و مسیر غیرمستقیم از طریق طرد اجتماعی ($a \times b = 0.276$) هر دو در سطح خطای کمتر از 0.001 معنادار بودند. این نتایج نشان داد که احساس تبعیض قومی نه تنها به صورت مستقیم موجب افزایش احساس بیگانگی می‌شود، بلکه تقویت احساس طرد اجتماعی نیز این اثر را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر، طرد اجتماعی به منزله‌ی سازوکاری روانی اجتماعی عمل می‌کند که از طریق آن احساس تبعیض قومی به بیگانگی اجتماعی منجر می‌شود. منظور از سازوکار روان اجتماعی فرایندی است که تأثیر تبعیض قومی بر احساس بیگانگی اجتماعی را از طریق عوامل روانی و اجتماعی توضیح می‌دهد.

بر اساس نتایج میانگین نمره احساس تبعیض قومی، طرد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در میان جوانان کرد به طور معناداری بالاتر از جوانان ترک است. این یافته بیانگر آن است که جوانان کرد تبعیض و طرد بیشتری را تجربه کرده‌اند و در نتیجه احساس بیگانگی اجتماعی شدیدتری دارند. چنین تفاوتی را می‌توان ناشی از جایگاه اجتماعی و تاریخی اقوام در ساختار قدرت، فرصت‌های نابرابر فرهنگی و تفاوت در دسترسی به منابع اقتصادی و نمادین دانست. از منظر جنسیتی نیز، یافته‌ها نشان دادند که زنان تبعیض قومی بیشتری را ادراک می‌کنند، در حالی که

مردان احساس بیگانگی بالاتری دارند. این نتایج نشان می‌دهند که اثر تبعیض قومی از متغیرهایی مانند قومیت و جنسیت تأثیر می‌پذیرد و تجربه تبعیض در میان جوانان، تجربه‌ای همگون و یکنواخت نیست.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «احساس تبعیض قومی چه تأثیری بر بیگانگی اجتماعی جوانان دارد و نقش طرد اجتماعی در این رابطه چگونه است؟»، می‌توان گفت احساس تبعیض قومی به‌عنوان یکی از عوامل ساختاری نابرابری اجتماعی از دو مسیر عمل می‌کند: نخست به‌صورت مستقیم، از طریق ایجاد احساس ناتوانی، بی‌اعتمادی و جدایی از جامعه؛ و دوم به‌صورت غیرمستقیم، از طریق افزایش احساس طرد اجتماعی و تضعیف تعلق اجتماعی که در نهایت به بیگانگی می‌انجامد. بنابراین، طرد اجتماعی نقش میانجی اساسی در تبیین اثر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی دارد و می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای کلیدی در سیاست‌های پیشگیری از گسست اجتماعی در جوامع چندقومیتی شناخته شود.

یافته‌های این مطالعه با بخش عمده‌ای از پیشینه نظری و تجربی همسو است. مشابه پژوهش‌های دل‌تورو و همکاران (۲۰۲۴)، کینگ و همکاران (۲۰۲۳) و آرگون و همکاران (۲۰۲۲)، تبعیض قومی به‌عنوان متغیری پیش‌بین در تضعیف انسجام و افزایش بیگانگی شناخته شد. با این حال، مطالعه حاضر با تأکید بر جامعه بومی ایران و ترکیب قومی کرد و ترک، بر شکاف‌های اجتماعی در سطح محلی متمرکز شده است. در حالی که پژوهش‌های خارجی عمدتاً بر مهاجران و جوامع غربی متمرکز دارند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حتی در بسترهای بومی نیز سازوکار تبعیض و طرد می‌تواند پیامدهایی مشابه اما با شدت فرهنگی متفاوت ایجاد کند. علاوه بر این، استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) مزیت مهمی در مقایسه با پژوهش‌های داخلی پیشین دارد، زیرا روابط علی و نقش میانجی به‌صورت دقیق‌تر سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نظریه فشار اقلیت مایر (۲۰۰۳)، نظریه تهدید هویت اجتماعی تجفل و ترنر (۱۹۸۶) و نظریه بیگانگی سیمن (۱۹۵۹) هم‌خوانی دارد. بر اساس این دیدگاه‌ها، تجربه تبعیض مستمر به شکل استرس مزمن عمل کرده و منجر به احساس طرد، ناتوانی و انزوای اجتماعی می‌شود. این چرخه احساس تبعیض، طرد و بیگانگی، بازتابی از فرایندهای ساختاری است که انسجام اجتماعی را در جوامع چندقومیتی تضعیف می‌کند.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که احساس تبعیض قومی، چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق طرد اجتماعی، بر احساس بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد. این یافته‌ها بر اهمیت توجه

به تجربه زیسته جوانان در جوامع چندقومیتی تأکید می‌نمایند. مطالعه حاضر ضمن پر کردن شکاف نظری در ادبیات بومی، بر ضرورت سیاست‌گذاری مبتنی بر عدالت قومی و احترام متقابل میان گروه‌های قومی تأکید دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، چند پیشنهاد قابل ارائه است: نخست، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی چندقومیتی در مدارس و دانشگاه‌ها برای ارتقای آگاهی نسبت به احترام قومی و ارزش تنوع فرهنگی ضروری است. دوم، ایجاد فضاهای تعاملی میان اقوام از طریق برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، فعالیت‌های داوطلبانه و برنامه‌های بین‌گروهی می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تقویت و طرد اجتماعی را کاهش دهد. سوم، توانمندسازی جوانان در برابر تبعیض از طریق برگزاری کارگاه‌های روان‌اجتماعی با محوریت هویت مثبت قومی، عزت‌نفس و تاب‌آوری پیشنهاد می‌شود. چهارم، نهادهای رسانه‌ای و اداری باید از بازنمایی کلیشه‌ای اقوام پرهیز کرده و مؤلفه‌های عدالت قومی و فرصت‌های برابر را در سیاست‌های خود لحاظ کنند. و در نهایت، انجام پژوهش‌های تطبیقی و کیفی در سایر مناطق چندقومیتی کشور با استفاده از روش‌هایی مانند قوم‌نگاری و روایت‌پژوهی می‌تواند به درک عمیق‌تر از تجربه طرد و بیگانگی اجتماعی بینجامد.

منابع

- احمدی، کامیل (۱۴۰۰). بررسی صلح‌مدار چالش هویت قومی در ایران (مطالعه‌ای به شیوه گراند تئوری در بین پنج گروه قومی ایران). مطالعات پژوهشی در علوم انسانی و علوم اجتماعی ۶۳، ۶۵-۹۳.
- عظیمی، رضا (۱۳۹۸). بررسی پتانسیل تضاد قومی با تأکید بر نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان). فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۱)، ۱۲۵-۱۴۴.
- بناب، بیژن و خدیاری‌فرد، محمد (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش بخشش در کاهش تعصب قومی و خشم نوجوانان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۱۳، ۸۴۶-۸۶۰.
- پژوهی، سپیده (۱۴۰۲). قربانی شدن آنلاین و آفلاین و تبعیض قومی در میان نوجوانان ایرانی. مجله روان‌شناسی مدرسه کانادا، ۳۸، ۳۳۳-۳۴۸.
- طالبی، ابوتراب، و علیزاده، سجاد (۱۳۹۸). فهم تجربه‌های تبعیض و نابرابری قومی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی ترک‌ها و کردها. علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، ۲۶(۸۷)، ۵۹-۹۱.
- توسلی، غلامعباس و آدهمی، جهانگیر (۱۳۹۱). حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی‌شدن: مطالعه میدانی در شهر سنندج. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، ۲(۱)، ۱-۱۵.
- حسین‌زاده، علی‌حسین، باقری، معصومه، و رزم‌آرا، امیر (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۲۵ سال شهر اهواز). توسعه اجتماعی، ۱۰(۲)،

۳۷-۵۴.

زکی، محمدعلی (۱۳۸۸). بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان). پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (ویژه‌نامه جوان و مناسبات نسلی)، پاییز و زمستان، شماره ۳: ۲۵-۵۱.

میرزایی، مهدی و بابایی، سجاد (۱۳۹۵). فهم تجربه‌های تبعیض و نابرابری قومی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی ترک‌ها و کردها. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۶: ۳۴-۷.

شیخی، قفور و عبدالهی، عبدالرضا (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت یکپارچه ایرانی (موردپژوهی جوانان بوکان). پژوهشنامه هویت ملی، ۱(۱)، ۷۷-۱۱۲.

عشایری، طاهره، عباسی، الهام، و جهان‌پرور، طیبه (۱۴۰۱). مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۴۰۱. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی و توسعه، ۱۰(۴)، ۲۰۱-۱۸۰.

قادرزاده، امید (۱۴۰۱). مشکله‌ی همبستگی در جامعه‌ی چندقومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۴۲-۵.

قادرزاده، امید و محمدزاده، علی (۱۳۹۷). مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی‌شدن قومیت‌گردهای ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۷(۱)، ۴۲-۱۹.

محمدزاده، حسین و خانی، سعید (۱۳۹۷). زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۱)، شماره ۳: ۱۲۵-۱۴۷.

- Argon, Anthony M., Mira, Juan A., & Cox, William T. L. (2022). Racial discrimination and social alienation in college students: The buffering role of social support. *Journal of College Student Development*, 63(4), 421-435.
- Bautista, Héctor, Moyano, Manuel, & Gómez, Ángel (2025). Religious discrimination leads to loss of personal significance through social exclusion. *International Journal of Intercultural Relations*, 97(1), 105-118.
- Brandt, Lena, Reinelt, Theresa, Bendau, Antonia, & Ströhle, Andreas (2022). Objective social isolation and perceived social isolation are independently associated with mental health and well-being. *Translational Psychiatry*, 12(1), 1-10.
- Carter, Robert T., Lee, Daniel, & Salazar, Rafael (2022). Predicting social alienation in immigrant youth: Ethnic identity as a buffer to racial discrimination. *Journal of Counseling Psychology*, 69(2), 184-197.
- Chin, Jason J., Skotnitsky, Lara, Xie, Yuchen, & Mathew, Rebecca (2025). Daily race-based social rejection and its effects on stress among racial minorities. *Social Sciences*, 5(2), 6.
- Del Toro, Juan, Anderson, Rebecca E., Sun, Xin, & Lee, Richard M. (2024). Early adolescents' ethnic-racial discrimination and pubertal development: The moderating role of parental ethnic-racial identity. *American Psychologist*, 79(3), 417-430.

- Doğan, Ömer Çağrı, Salameh, Tala, & Güney, Selen (2025). Outcomes of bullying and intervention strategies for migrant and refugee children in low- and middle-income countries: A scoping review. *Children and Youth Services Review*, 162(2), 107–119.
- Duell, Natasha, Alvarez, Gabriela, Telzer, Eva H., & Muscatell, Keely A. (2024). Racial/ethnic discrimination shapes adolescent brain connectivity. Preprint, 1(1), xx–xx.
- DuPont-Reyes, Melissa J., & Villatoro, Alice P. (2019). The role of school race/ethnic composition in mental health outcomes: A systematic literature review. *Journal of Adolescence*, 74(1), 136–148.
- Gloria, Fernanda P. A., Tatiana, Alicia, & Mercedes, Teresa J. (2025). Predicting children migrants' social exclusion risk through an innovative digital tool. *Children and Youth Services Review*, 163(1), 201–215.
- James, Thomas, Kang, Jihyun, & Fraser, Michelle (2021). Racial discrimination and social isolation among Indigenous adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 68(5), 902–910.
- Jelsma, Elizabeth, Wang, Yujie, Cham, Heining, & Yip, Tiffany (2025). Everyday ethnic discrimination and early substance use based on hair samples in high-risk racial/ethnic minority early adolescents. *Cultural Diversity & Ethnic Minority Psychology*, 31(1), 54–67.
- King, Kathleen M., Holmes, Caleb J., Freeman, Krista, & Jiang, Yiyuan (2023). Daily racial discrimination, school connectedness, and academic achievement in adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 52(3), 512–526.
- Krüger, Anne, Zimmermann, Jan, Renaud, Christian, & Weiss, Maria (2024). Daily ethnic discrimination and affective states: The role of co-ethnic social support. *SSM – Mental Health*, 4(1), 100042.
- Kwon, Minjung, Livingston, Jennifer A., Wang, Wen, & Hequembourg, Amy L (2025). Longitudinal association between adolescent sexual identity and sleep quality: The mediating roles of peer victimization and perceived social support. *Sleep Health*, 11(2), 140–152.
- Lopez-Vergara, Hector I., Rozum, William, Charvis, Janelle S., et al. (2024). Experiences of discrimination and alcohol involvement among young adults. *Journal of Racial and Ethnic Health Disparities*, 11(1), 88–102.
- McNair, LaToya D., Rogers, Rodney J., & Newman, Clarissa R. (2023). Perceived racial discrimination and peer relationships in African American youth. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 29(2), 214–228.
- Paat, Yok-Fong, & Morales, Diego X. (2024). Perceived discrimination and relative deprivation as predictors for age differences in loneliness. *Social Work in Mental Health*, 22(4), 301–316.
- Rivera, Lirio M., Benitez, Melissa, & Torres, Lucas (2023). The impact of social media ethnic discrimination on depressive symptoms in Hispanic emerging adults: The role of psychosocial factors. *Journal of Ethnic & Cultural Diversity in Social Work*, 32(1–2), 1–18.
- Rodriguez, Luis, Chen, Ying, & Peters, Marcus (2021). Racial discrimination, mental health, and social alienation among Latinx college students. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 27(4), 632–645.

- Urzúa, Alfonso, Ferrer, Roberto, Godoy, Natalia, & Leiva-Gutiérrez, Jorge. (2021). Ethnic identity as a protective factor for discrimination and psychological well-being: Evidence from immigrants in Chile. *Frontiers in Psychology*, 12(1), 638846.
- Urzúa, Alfonso, Leiva-Gutiérrez, Jorge, Caqueo-Úrizar, Alejandra, & Vera-Villaruel, Pablo (2020). Ethnic identity, discrimination, and emotional well-being: The mediating role of positive and negative affect. *Frontiers in Psychology*, 11(1), 602537.
- Hatzenbuehler, Mark L (2009). How does sexual minority stigma “get under the skin”? A psychological mediation framework. *Psychological Bulletin*, 135(5), 707–730.
- Mereish, Ethan H., & Bradford, Judith B. (2014). Intersecting identities and psychological distress: The role of racial discrimination and LGBTQ-related stressors. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 1(4), 408–421.
- Frost, David M., & Meyer, Ilan H. (2023). Minority stress theory: Application, critique, and continued relevance. *Current Opinion in Psychology*, 52(1), 101697.
- Russell, Stephen T., & Fish, Jessica N. (2016). Mental health in lesbian, gay, bisexual, and transgender (LGBT) youth. *Annual Review of Clinical Psychology*, 12(1), 465–487.
- Meyer, Ilan H., & Frost, David M. (2013). Minority stress and the health of sexual minorities. In Patterson, Charlotte J., & D’Augelli, Anthony R. (Eds.), *Handbook of Psychology and Sexual Orientation* (pp. 252–266). Oxford University Press.
- Feinstein, Brian A., & Dyar, Christina. (2017). Bisexuality, minority stress, and health. *Current Sexual Health Reports*, 9(1), 42–49.
- Chin, D., Loeb, T., Zhang, M., Liu, H., Cooley-Strickland, M., & Wyatt, G. (2020). Racial/ethnic discrimination: Dimensions and relation to mental health symptoms in a marginalized urban American population. *The American Journal of Orthopsychiatry*, 90(4), 499–510.
- Haeny, A. M., Holmes, S. C., & Williams, M. T. (2021). The need for shared nomenclature on racism and related terminology in psychology. *Perspectives on Psychological Science*, 16(4), 886–892.
- Zhou, X. (2023). The application of social psychology in addressing racial discrimination. *Applied & Educational Psychology*. Advance online publication.